

# فرصت‌های تبلیغی را دریابیم

محمدحسن نبوی

را ببرند.

امیر مؤمنان علی علیه السلام می فرماید:  
«**اِنْتَهَرُوا فَرَصَ الْخَيْرِ فَإِنَّهَا تَمُرُّ مَرَّ السَّحَابِ**؛ فرصت‌های خیر را غنیمت  
شمارید زیرا همانند ابرها می گذرند.»  
در تبلیغ معارف دینی، مبلغ نیز با  
بهره‌گیری هوشیارانه از فرصت‌ها باید به  
دنبال نشر معارف دین باشد.

## قرآن و فرصت‌ها

در موقعیتهای گوناگون و فراز و  
نشیبهای مختلف تاریخ اسلام، به  
تناسب فرصت‌ها آیاتی نازل و راه را از

هر کس برای رسیدن به اهداف  
خویش در کمینگاه فرصت‌ها مترصد  
می ماند که در زمان و موقعیت مناسب  
که همان فرصت است بسوی هدف گام  
بردارد. بهره‌گیری از فرصت‌ها و وظیفه هر  
انسان دانا و باهوش است و خیر یا شر  
بودن استفاده از فرصت، غالباً مربوط  
به هدف یا اهدافی است که انسان‌ها به  
دنبال دستیابی به آن از فرصت‌ها سود  
می جویند.

کافران و منافقین به دنبال فرصت  
برای پیش برد اهداف شوم خویش اند  
و مؤمنین نیز باید برای وصول به  
اهداف خود از فرصت‌ها بیشترین بهره

می دیدید. سپس آن را با عین الیقین مشاهده می کردید.»

در اینجا با توجه دادن به قیامت و جهنم بر غرورهای مستانه و خیال آمیز آنان ضربه می زند تا نگاه عمیق و ژرفی را جایگزین سازد. مواردی از این قبیل در قرآن بسیار یافت می شود.

### پیامبران و فرصتها

با نگاهی به سرگذشت پیامبران در متقن ترین منبع تاریخی؛ یعنی قرآن، استفاده از فرصتها موج می زند، که در اینجا، نمونه ای بیان می شود.

حضرت یوسف علیه السلام در کنج زندان بسر می برد، از زر و زیور و جاذبه های دنیا دل شسته و به زندان برای نجات از خواسته های نامشروع دیگران عشق می ورزد و می فرماید: «رَبِّ السَّجُنِ أَحَبُّ إِلَيَّ مِمَّا يَدْعُونَنِي إِلَيْهِ»<sup>۱</sup>؛ «خدایا زندان [با تمام سختیهایش برای من] دوست داشتنی تر است از آنچه مرا بدان می خوانند.»

۱. آل عمران / ۱۴۴.

۲. تکوین / ۱-۷.

۳. یوسف / ۳۳.

بیراهه باز می شناساند.

هنگامیکه در جنگ احد با شایعه قتل پیامبر صلی الله علیه و آله همگان به جز اندکی فرار می کنند، قرآن مجید می فرماید:

﴿أَفَأَنْ مَاتَ أَوْ قُتِلَ انْقَلَبْتُمْ عَلَى أَعْقَابِكُمْ؟﴾ «آیا اگر [پیامبر صلی الله علیه و آله] بمیرد یا کشته شود، از عقیده خود بر می گردید.»

در این فرصت بر مؤمنین نهیب می آید که مگر ایمان شما به خدا با مرگ پیامبر صلی الله علیه و آله می میرد؟ اگر چنین باشد ایمان نیست.

یا هنگامیکه عده ای به فخر فروشی می نشینند و به دنبال بزرگ جلوه دادن قبیله خویش به قبرستان رفته، تعداد مردگان قوم خود را به شماره می کشند، قرآن مجید ضمن تفییح این عمل، آنان را به قیامت متوجه می سازد که:

﴿أَلَيْسَ لَكُمُ التَّكَاثُرُ حَتَّى زُرْتُمُ الْمَقَابِرَ كَلَّا سَوْفَ تَعْلَمُونَ ثُمَّ كَلَّا سَوْفَ تَعْلَمُونَ كَلَّا لَسَوْفَ تَعْلَمُونَ عِلْمَ الْيَقِينِ لَكثُرُونَ الْجَحِيمِ ثُمَّ لَنَنْزِفَنَّهَا عَيْنَ الْيَقِينِ...﴾<sup>۲</sup>؛ «تفاخر به تعداد بیشتر شما را به غفلت کشاند تا کارتان به گورستان رسید، نه چنین است، زود است که بدانید، سپس زود است که بدانید. نه چنین است، اگر علم الیقین داشتید به یقین دوزخ را

## فرصت‌سازی

گاهی پیامبران علیهم‌السلام علاوه به استفاده از فرصتها، خود فرصت‌سازی می‌کردند. حضرت ابراهیم علیه‌السلام شهر را ساکت و آرام می‌بیند، تبر در دست همهٔ بتها را می‌شکند، تکه‌های خرد شده بتها روی زمین می‌ریزد، او از اعماق جان به نابودی بتها عشق می‌ورزد اما برای فرصت‌سازی بت بزرگ را تبر بر دوش سالم و می‌نهد، هنگامیکه مردم به شهر باز گشته، خدایان خود و نیاکانشان را اینچنین زبون و خرد شده می‌بینند موجی عجیب همگان را فرا می‌گیرد، سؤالی بزرگ همه اندیشه‌ها را فعال کرده که چه کسی چنین جرئت کرده و حرکتی هول‌انگیز انجام داده است؟

کارشناسان، ابراهیم علیه‌السلام را متهم‌ردیف اول می‌دانند، ابراهیم علیه‌السلام دستگیر و به محل وقوع جرم منتقل می‌شود، همگان با فریاد اتهام را مطرح می‌کنند، اما ابراهیم علیه‌السلام در ورای این هیاهو به هدف تبلیغی خویش می‌اندیشد. جمع عظیمی را می‌یابد که از سویی جمعیت آنان و از سوی دیگر این حادثه عظیم برای او

خلوت‌کنده زندان در کنار زندانیان، فضائی آرام و تأمل برانگیز ساخته است؛ دو زندانی خواب می‌بینند، برای تعبیر خواب نزد مردی آراسته، نیکوکار و دوست داشتنی به نام یوسف علیه‌السلام می‌آیند، از او تعبیر خواب می‌خواهند، او خواب آنان را می‌شنود اما قبل از تعبیر خواب از فرصت بهره می‌جوید و ضمن آنکه به آنان قول می‌دهد که صبر کنید، تعبیر خوابتان خواهم گفت، لیکن از خدای خود سخن بمیان می‌آورد و به دنبال آن می‌فرماید: ﴿يَا صَاحِبِي السَّجْنِ أَأَزْيَابٌ مُتَّفَرِّقُونَ خَيْرَ أَمْ اللَّهُ الْوَّاحِدُ الْقَهَّارُ﴾<sup>۱</sup>؛ «ای دو رفیق زندانیم! آیا خدایان پراکنده بهترند یا خدای یگانه مقتدر؟»

او با ایجاد یک سؤال تأمل برانگیز پتکی بر اندیشه خفته آنان وارد می‌کند، نهبی ایجاد می‌شود، آنگاه به دنبال تعبیر خواب آنان می‌رود و تعبیری راستین بیان می‌کند که در تاریخ ماندگار می‌شود. این یکی از مصادیق زیبای بهره‌جوئی از فرصت است و به ما می‌آموزد که چگونه از فرصتهای مختلف و گوناگون برای نشر معارف دینی بهره‌جوئیم.

۱. یوسف/۳۹.

می نمود، که این دو بخش قابل بررسی و بحث بسیار است.

**پیامبر اسلام ﷺ و فرصت سازی**  
گاهی پیامبر ﷺ برای ماندگار ساختن آموزه های خویش، ابتدا فرصت سازی می نمود و پس از آن پیام خود را ابلاغ می کرد.

به عنوان مثال، پیامبر ﷺ همراه با اصحاب خود از بیابان شنزار و بی آب و علفی می گذرند، حضرت به اصحاب فرمان گردآوری هیزم می دهند، آنان می گویند: یا رسول الله! اینجا شنزار است و هیزم یافت نمی شود، پیامبر ﷺ می فرماید: بگردید هرچه یافتید بیاورید.

مسلمانان به امر پیامبر ﷺ برای یافتن هیزم در بیابان پراکنده می شوند، هر کس مقدار ناچیزی هیزم با خود می آورد، هنگامیکه روی هم ریخته می شود انبوهی هیزم همگان را خیره می کند. در اینجا پیامبر اکرم ﷺ با زحمت بسیاری فرصت سازی کرده، حال آموزه ای را بیان می کند:

«گناهان شما در حالیکه اندک بنظر

عالیترین فرصت تبلیغی ایجاد کرده است. از اینرو جواب می دهد: ﴿بَلْ فَعَلَهُ كَبِيرُهُمْ هَذَا فَسئَلُوهُمْ إِنْ كَانُوا يَنْظُرُونَ﴾؛ «آن بت بزرگ اینها را شکسته است، اگر سخن می گویند از آنها پیرسید.»

﴿فَرَجَعُوا إِلَى أَنْفُسِهِمْ فَقَالُوا إِنَّكُمْ أَنْتُمُ الظَّالِمُونَ﴾؛ «پس به خود آمده و (به یکدیگر) گفتند: در حقیقت شما ستمکارید.» و این همان نتیجه ای است که ابراهیم عليه السلام به دنبال آن بود، و برایش کوشیده است.

### فرصتها و نزول قرآن

بطور کلی شیوه نزول تدریجی قرآن بر پیامبر ﷺ غالباً براساس بیان معارف دینی در بستر فرصتها بوده است. هنگامیکه حادثه ای پیش می آمد، مسئله ای مطرح و اذهان مردم را بسوی مطلبی متوجه می ساخت. به مناسبت همان فرصت آیه یا آیاتی از قرآن مجید نازل و بدین وسیله در روح و جان آدمیان نفوذ می کرد.

از سوی دیگر قرآن مجید از فرصت شاخص ترین امتیاز فرهنگی زمان - که فصاحت و بلاغت بوده - استفاده برده و با بیان فصیح ترین و بلیغ ترین جملات، اندیشه های فرهنگی زمان را شیفته خویش

۱. انبیاء / ۶۳

۲. انبیاء / ۶۴

می‌رسد، اینگونه گرد می‌آید و شما از آن بی‌خبرید.»

### مبلغ و فرصت

مبلغان دینی باید از سویی به استفاده بهینه از فرصتهای ماههای رمضان، محرم، صفر، فاطمیه، تابستان و ... بیانندیشند و از سوی دیگر در بقیه سال جهت تبلیغ معارف دینی فرصت‌سازی کنند.

برای استفاده صحیح و خداپسندانه از فرصتهای تبلیغی، قبل از هر چیز باید هدف از تبلیغ کاملاً مشخص شود که چرا تبلیغ می‌کنیم و می‌خواهیم به کجا برسیم؟

### هدف در تبلیغ

بزرگترین و بنیادی‌ترین هدف مبلغین، دعوت به خداوند و گسترش خداپرستی است. قرآن مجید می‌فرماید: ﴿وَمَنْ أَحْسَنُ قَوْلًا مِمَّنْ دَعَا إِلَى اللَّهِ وَعَمِلَ صَالِحًا﴾<sup>۱</sup>؛ «چه گوینده‌ای بهتر از کسی است که به خدا می‌خواند و عمل صالح انجام می‌دهد.»

گوینده‌ای که به خدا نخواند و یا به خدا بخواند لیکن اهل عمل صالح نباشد، از جرگه بهترین دعوت‌کنندگان خارج است. پس هدف، فراخوانی عمومی بسوی خدا و عمل نیکو است.

همچنین قرآن مجید این هدف را از اهداف همه انبیاء بیان کرده، می‌فرماید: ﴿وَلَقَدْ بَعَثْنَا فِي كُلِّ أُمَّةٍ رَسُولًا أَنِ اعْبُدُوا اللَّهَ وَاجْتَنِبُوا الطَّاغُوتَ﴾<sup>۲</sup>؛ «همانا در میان هر امتی رسولی را مبعوث کردیم «تا بگوید» خدا را بپرستید و از طاغوت بپرهیزید.»

### راه تحصیل هدف

حال مبلغ برای استفاده از فرصتهای تبلیغی پس از ترسیم دقیق هدف و کنکاش مجذانه در نفس و مراقبت همیشگی از نفوذ وساوس شیطانی و تبدیل هدف نورانی دعوت به خدا به اهداف غیر الهی لازم است جهت دستیابی به مقصود پاک خویش به برنامه‌ریزی بپردازد و با بازشناسی جامعه، مخاطبین، نیازهای تبلیغی، آسیبهای اخلاقی - اجتماعی و با بررسی دقیق محدودیتها و امکانات، راه خویش را به خوبی انتخاب و بسوی هدف حرکت آغاز کند.

از آنجا که پرداختن به این بحث مجالی بیشتر می‌طلبد، در شماره بعد این مطلب دنبال خواهد شد.

ادامه دارد ....

۱. فصلت/ ۳۳.

۲. نحل/ ۳۶.